

**سوال اساسی :**

**تمام این بنیادگرایان اسلامی از کجا آمده اند ؟**

هر دانشمند و هر انسان متفکر و چیزفهم و جامعه شناس بخوبی میداند که جهان امروزی دستخوش یک سلسله رویدادها و وقایع باهم مرتبط در این گوشه و آن گوشه ای از جهان بوده و یا حوادثی بوقوع می پیوندد که هرگز نمیتوان یک رخداد بوقوع پیوسته را از نظر ریشوی و جذری آن بیرون ارتباط با دیگر وقایع و دیگر رویدادها مجزا دانست و آن را بیرون ارتباط به بررسی گرفت ! ولی آنچه که در سرخط همه ای این رویدادها قرار دارد و یا قرار میگیرد که نباید فراموش گردد همانا سودجویی اقلیت یک فیصد از ثروت مندان حریص جهان است که (۹۹) فیصد مردم جهان ما را در پرتگاه نابودی قرار داده اند و برای آنکه بتوانند بر منابع طبیعی جهان بویژه بالای منابع نفت و گاز دسترسی و تسلط کامل داشته باشند از هیچ نوع دسیسه و توطیه دریغ نمی ورزند و سبکسرانه دم از آزادی و دموکراسی و حقوق بشر میزنند و توسط میدی اجیرو روشنفکران مرتجع خویش آذهان عامه را به نفع و سودجویی خویش شست و شسو می نمایند با تذکر این پیش درآمد فشرده فوق میخوام بالای اصل موضوع مکث نمایم و آن اینکه :

میخوام به بررسی موضوع از اینجا بپردازم و آن اینکه آیا گروهک های اسلام افراطی نظیر سازمان القاعده گروه، داعش ، بوکو الحرام در افریقا توان آن را دارند که رویداد (9/11) سال (2001) را در نیویارک ، اختطاف دختران را در افریقا ، بخاک و خون کشاندن افغانستان ، لیبیا، سوریه ، عراق و رویداد اخیر یعنی حمله و یورش بر دفتر روزنامه (charlie Hebdo) در پاریس را بیرون حمایت و پشتیبانی بین المللی بتوانند انجام دهند ؟ به نظر من ای این دور از واقعیت نخواهد بود که در عالم خیال و تصورات میان تهی طوری حکم نمایم که این همه رویدادها توسط اسلامگرایان افراطی و یا جهادستان اسلامی صورت گرفته است در حالیکه همه ما میدانیم که بنیاد اسلام سیاسی در تحت رهبری حسن البنا به کمک و معاونت مستقیم بریتانیا

و ایجاد مدارس دینی و مذهبی در پاکستان صورت گرفته است که هیچکسی نمیتواند از آن چشم پوشی نماید دور از تمسخر و یا خاک پاشیدن به چشم جهانیان نخواهد بود که رخدادهای اخیر یعنی تهاجم بر دفتر روزنامه (chalie Hebdo) را به گردن چند نفر تروریست اسلامی بگذاریم و آنها را محکوم نمایم ، بالفرض اگر این رخداد بصورت قطع توسط اسلام گرایان افراطی صورت گرفته باشد ؟ باید پرسید که این گروهک های تروریستی در حال تکوین و در حال رشد در کجا ایجاد و از کجا آمده اند و در کجا فن جنگ و ترور و آدم کشی را فرا گرفته اند ؟ وکی ها ایشان را از نظر مالی آموزشی ، و تسلیحاتی مساعدت نموده و یا تا هنوز مساعدت می نمایند ؟ جواب ساده و بسیط است یعنی که این جهادپستان و تروریستهای اسلام افراطی از افغانستان ، عراق ، سوریه و لیبیا آمده اند ؟ و در آنجا رشد نموده اند ، آموزش دیده اند ، تسلیخ شده اند و برای انجام فعالیت های تروریستی بسیج شده اند ! این مطلب را (William Blum) نویسنده چیره دست و مؤلف چندین کتاب طی یک مقاله اش که در وب سایت (انفارمیشن کلیرنگ هوز بتاریخ بیستم جنوری «2015» زیور چاپ را یافته است ) چنین توضیح نموده است که گفته های او را ذیلاً نقل قول مینمایم :

این گروهها و گروهپ های که از آنها در بالا یاد نمودیم گروههای اند که در طول مدت زمان چند متفاوت یعنی از سال (1970) تا امروز در کشورهای متذکره تحت تربیه و تحت پشتیبانی مالی ، آموزشی ، و نظامی همه جانبه قرا گرفتند و بعداً قد برافراشتند در کشورهاییکه اغلب شهروندان آن سکولر ، مدرن ، متمدن تحصیل یافته و دارای دولت های رفاه همگانی برای مردم خود بودند ، چنانچه اگر در این کشورها مداخلات و دست درازی های سودجویانه ای غرب و در راس آنها ایالات متحده امریکا نمی بود امروز این کشورها با طی پله های از تکامل در قله های از تمدن و پیشرفت قرار میداشتند .

\* ایالات متحده امریکا طبق برنامه ای جیوستراتیژیک خود در سال (1980) به سقوط و انقراض حکومت مترقی و متمدن افغانستان با اعمال از قبل تربیه شده و تحت حمایه قرار داده شده خود داخل اقدام شد و به انقراض حکومتی پرداخت ، حکومتی که حقوق شهروندان خود را همه جانبه در نظر داشت و بخصوص حقوق حقه ای زن را با تمام محتویات و مفردات آن مراعات و بجا می نمود. یعنی این ایالات متحده امریکا بود که طبق برنامه اش چند مسلمان

افراطی ناراض فراری و تبعید شده ای مجاهد را در قلمرو پاکستان با کمک مالی کشورهای عرب و در اس آن عربستان سعودی تنظیم و بسیج نمود و به تربیه نظامی آنها توسط ماهران سازمان آدم کش (آی اس آی) مبادرت ورزید و خلاف تمام اصول پذیرفته شده ای بین المللی به خشونت و شانتا زد دست زد و حکومت دوکتور نجیب الله را از اریکه قدرت بر انداخت و بعوض آن یک حکومت استبدادی فاشیستی مذهبی مجاهدین را بر اریکه قدرت نشاند و دیری نگذشته بود که این حکومت فرتوت استبدادی عقبمانده قرون وسطایی بقدرت رسیده به جنگ داخلی پرداختند و شهر زیبای کابل پایتخت افغانستان را با زدو خورد های مسلحانه ای خویش به مخروبه مبدل ساختند هزاران انسان بی گناه ملکی اعم از زن و مرد و طفل و جوان را بخاک خون کشاندند و بغارت دارایی ها عامه پرداختند و افغانستان را به مخروبه ای مبدل ساختند و به اینصورت برنامه و هدف ستراتیژیکی ایالات متحده امریکا را تحقق بخشیدند و بعد از آنکه طشت رسوایی این عمل مداخله گرانه ای ایالات متحده امریکا و اعمال تازه به دوران رسیده اش در افغانستان از بام افتاد با آنها این ایالات متحده امریکا بود که زمینه ای گروهی افراطی تر اسلامی دیگر را تحت نام طالبان مساعد ساخت آنها را از هر جهت مساعدت و کمک نمود .

\* ایالات متحده امریکا بمنظور وسعت نفوذ اش و تا مین مصونیت برای دولت اسرائیل در منطقه هر کار و فعالیتی که ضرورت باشد آنرا انجام میدهد که بر بنیاد همین مطلب میتوان گفت که این ایالات متحده امریکا بود که در سال (۲۰۰۰) در پی بر انداختن حکومت سکولار عراق داخل اقدام شد نه تنها که یک دولت سکولار را معروض به انقراض ساخت بلکه یک کشور و یک ملت آگاه و متمدن که دارای گنجینه های فرهنگی و تاریخی بیمانند و بینظیر در جهان بود و یا مرکز علم و ادب و دستاوردها و میراث زحمت کشان و پژوهشگران بین النهرین اعم از فنیقی ها و کلدانی ها و اسوریها بود میراثی که افتخارات آن به همه بشریت روی زمین تعلق میگرف آنرا با خاک یکسان ساخت و عراق را به یک کشور ورشکسته و محتاج مبدل ساخت که تا همین اکنون شعله های جنگ و خصومت و خشونت هست و بود این کشور را به نابودی سوق میدهد .

\* و یا همچنان این ایالات متحده امریکا است که با متحد نزدیک خود چون نیروهای نظامی کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمال (ناتو) حکومت سکولار

معمراً القذافی را ، حکومتی که برای شهروندان اش زنده گی بهتر و مرفه را فراهم ساخته بود آن را با مداخلات نظامی اشکار خویش منقرض و متلاشی ساخت و توسط اعمال دست نشانده ای خودبه غارت دارای های مردم و بیتالمال پرداخت و هزاران انسان معصوم و بی گناه ملکی را نیست و نابود کرد . و در عوض یک دولت مستبد و متعصب و فاقد هویت انسانی و عقبمانده را براریکه قدرت دولتی نشاند و توسط این گروهک های خشن و تازه کار مقادیر قابل ملاحظه از مهمات و سلاح های جنگی را به غرض کوبیدن جنبشهای دنیای عرب و ایجاد نارامی ها به شرق میانه سرازیر ساخت .

\* از سوی دیگر این ابرقدرت لجام گسیخته یعنی دولت امپریالیستی ایالات متحده امریکا است که به کمک شرکا و متحدین خود از دیر زمان به اینسو در پی انقراض حکومت سکولار « بشر الاسد » در سوریه بوده و بیرون ترس و رعایت میثاق های پذیرفته شده ای بین المللی ، گروپ های ناراض و ضد دولت سوریه را از هر جهت تحت حمایت خویش قرار داده است که برای همه مردم جهان اظهر المن الشمس است ، نباید فراموش کرد که این همه تپ و تلاش های ایالات متحده امریکا بخاط هژمونی اقتصادی و تسلط اش بر منابع طبیعی و انرژی ، رشد سرمایه داری ، قلع و قمع نهضت های ملی ، از بین بردن کمونیزم و ایده های مترقی و معاصر ، وسعت دامنه نفوذ اسرائیل در شرق میانه ، تصرف مواد نفتی و گاز شرق میانه و ایجاد گروه های جهادی آدم کش و مزدور برای تحقق اهداف دور و نزدیک اش و سرانجام به حیث نیرو های جنگی بخاطر بر آورده شدن منافع اش در جنگ های نیابتی یکی از پلان های ستراتیژیک این ابر قدرت سرمایه می باشد . خدا بزرگ است .

ایالات متحده امریکا برای آنکه توانسته باشد در امور کشورهای دیگر مداخله نماید برای بر آورده شدن این هدف قبل از همه خلاف خواستها و ارزش های رهبر وقت اتحاد جماهیر شوروی که پیام دوستی را توسط سفیر وقت ایالات متحده ای امریکا به هایزن اور فرستاده بود نه تنها که روابط دوستانه بین آنها تامین نگردید بلکه این ایالات متحده امریکا بود که جنگ سرد را آغاز نمود جنگی که توانست زمینه مداخله امریکار ادر سرزمین های دیگر تحت بهانه های مختلف مساعد ساخت . آقای (Ander Vitchek) چشم دید خود را در این مورد چنین ارایه میدارد : بیرون آنکه به نوشته های نویسندگان روسیه و ایالات متحده

امریکا در موارد مناسبات چندی بین روسیه و امریکا عطف توجه نمایم از مدت (70) سال به اینسو سیاست وپالسی خارجی امریکا را میدانیم که بدنبال کدام هدف میباشند: بهر صورت اگر مداخله ایالات متحده امریکا در میان نمی بود امروز تقریباً تمام کشورهای اسلامی بشمول ایران و مصر و اندونیزیا از جمله کشورهای نوع سوسیالیست و مترقی میبود که توسط آگاهترین رهبران پله های موفقیت و تکامل را یکی بعد از دیگری میپیمودند. حتی که اگر مداخله و اشنگتن و حمایت اش از جابرتترین و افراطی ترین کشور همچو عربستان سعودی در میان نمیبود امروز این کشور در جای دیگری قرار میداشت نه آن طوریکه امروز برای تامین منافع امریکا در شرق میانه در جنگ های نیا بتی سهم مگیرفت.



رژه دای از تحصن زمامداران غرب در پاریس در حمایت از یاد و بود  
قربانیان و ژورنالستان مربوط مجله ای شارلی هب و

همه ای ما از آن مطلع هستیم که بتاریخ یازدهم ماه جنوری مارش و تحصن  
وسیع رهبران غرب در تحت نام و عنوان تحکیم وحدت ملی و بین المللی به  
خاطر یادبود قربانیان و ژورنالستان مجله شارلی هب و که در اثر یورش  
تروریستان ترور گردیدند در پاریس تدویر یافت و تلویزیون فرانسه این همایش  
را همه جانبه پخش نمود همایشی که غرب یکبار دیگر نوع از تظاهر نمایشی

و عشرات آمیز و دورویه گی (hypocrisy) اش را نمایان ساخت که رژه این تحصن توسط تلویزیون فرانسه به شکل مدرن و مجلل بعد از مونتاژ پخش گردید بیون آنکه نا تو به آزادی بیان روزنامه نگران جهان وقع و احترام گذاشته باشد و اوقیانوس از علایم را اعلام بدارد که من شارلی هستم و.....  
 ..... ما همه شارلی هستیم آنرا طور تزینی و نمایشی بابدست گرفتن و نمایش دادن یک پنیسل عظیم الجسه و کلان نشان داد نه آنکه بمباردها - تجاوزات - از پادراوردنها - شکنجه ها و حملات ویا از یورش و پرتاب بمب ها توسط هواپیماهای بیون سرنشین خود که یکی از ابزارها و سلاحهای انتخابی غرب بشمار می رود و انچنانیکه این سلاحها را برای تسلط خود طی قرن گذشته در شرق میانه بکاربرد آزان تذکری بعمل آورد ؟ بلکه طور نمایشی از آلام خود فریاد سرمیزند و بالای عمال زشت خود سرپوش میگذارد .



آزادی و فرهنگ و وحدت را با بدست گرفتن و نشان دادن پنیسل کلان نشان دادن این به اصطلاح مدعیان آزادی و دموکراسی و حامیان بین المللی حقوق بشر

چرا در همایش شان از اعمال ترور و اختناق و جنگ های تحملی که نظامیان ایالات متحده امریکا در شرق میانه و جاهای دیگر بکار برده اند و یا همین اکنون بکار میبرند از آن یادآوری نمی نمایند که مرتکب قتل و کشتار بیشتر از ده ها خبرنگار و ژورنالیست گردیده اند چنانچه که ویکی لیک (Wiki Leaks) در ویدیوی در دست داشته اش بوضاحت نشان داد که در آن دو ژورنالیست رویتر چسان بشکل مرموز و پنهان از نظر دیگران به قتل میرسند ، و یا اینکه در سال (2003) نیروهای نظامی هوایی ایالات متحده امریکا خلاف اصول قبول شدهء بین المللی جنگ بالای دفتر ارتباط جمعی الجزایر در عراق از هوا بمب پرتاب مینماید و توسط این یورش هوایی خود سه ژورنالیست را به قتل و چهار نفر ژورنالیست دیگر را مجروح می سازد و یا اینکه با پرتاب موشک بالای هوتلی در بغداد دو نفر تابعه خارجی را از بین می برد ولی از همچو کشت و کشتارها در این همایش خود صریحاً تذکر بعمل نمی آورند اما از قربانیان مجله شارلی هبدو بدست تروریستانی که خود ایجادگر آنها هستند گلو پاره می نمایند.

\* باید بخاطر آورده که این ایالات متحده امریکا بود که در روز دهم بمباردمان یورش مورخ هشتم اکتوبر سال (۲۰۰۱) خود بالای افغانستان رادیویی بنام شریعه حکومت طالبان را تحت هجوم هوایی خویش قرار داد و اندکی بعد تمام رادیوهای ساحوی و منطقوی طالبان را یکی پس از دیگری تحت بمباردمان خویش خورد و خمیر نمود ، چنانچه رامسفلد وزیر دفاع ایالات متحده امریکا در دفاع از یورش هوایی نظامیان ایالات متحده امریکا بالای مراکز رادیویی طالبان چنین میگوید ( ما بطور طبیعی نمیوانستیم در نظر بگیریم که رسانه های بلندگوی طالبان را نباید از بین میبردیم یعنی که باید این مراکز را نابود میساختیم ).

\* و یا میتوان سال (1999) را در یوگوسلاویا بخصوص بمباردمان مشهور (78) روزه را بیاد آوریم که این کشور برای مدت (78) روز طور پیهم تحت بمباردمان نیروهای هوایی قرار گرفت کشوری که در طول موجودیت خود ابداً امریکا را مورد تهدید خویش قرار نداده بود و هرگز در مقابل امریکا خشونت و خصومت نه ورزیده بود ، امریکا و متحد نزدیک اش ناتو (NATO) رادیو تلویزیون دولتی سربیا (RTS) را بخاطری تحت بمباردمان خویش قرار داد که که پخش برنامه های آن مورد پسند این ابر قدرت نبود ، و آن مرکز رادیو تلویزیون

را بخاک یکسان ساخت که در اثر بمباردمان این مرکز رادیو تلویزیون تعداد زیادی از کارمندان و کارگران آن یا از بین رفتند و یا مجروح شدند و یا اعضای بدن خود را از دست دادند که تاریخ آنرا فراموش نخواهد کرد .  
من در اینجا قسمتی از نظریات و باور های خود را به ارتباط « شارلی هبدو » در پرتو اسناد موصله ای یک دوست دیرینه ام در پاریس کسبیکه از مدت های طولانی با خبرنگاران و مطبوعات از نزدیک شناخت سروکار دارد چنین افاده واریه مینمایم :

«شارلی هبدو» از نظر چشم انداز سیاست بین المللی: گروه ویا صنفی از محافظه کاران هر حمله و یورش و هر مداخله « ناتو» را از زمان تجاوز و بمبارد یوگوسلاویا تا همین اکنون از ته دل حمایت و پشتیبانی می نمایند، این گروه محافظه کار ضد مسلمانان ، ضد حماس ( Hamas ) و یا هر سازمان و یانهاد فلسطینی ، ضد روسی ، ضد کوبا (به استثنای یک کارتونیسست کوبایی) ضد هوگو چاوز (Hugo Chavez) ، ضد ایران ، ضد سوریه ، طرفدار ( Pussy Riot ) = { گروهی از فیمینستها «زنها» در مسکو اند که مخالف ولادیمیر پوتین در زمان انتخابات بودند ، آنها در هنگام مصاحبه چهره خود را با ماسک و حجاب می پوشانند که در تصویر ذیل بمشاهده میرسند} ، طرفدار شورش و ناامنی کیف



گروه (pussy Riot)



ایا ضرورت آن دیده میشود که این سلسله ای از یاداوریهها را ادامه دهیم ویا رویدادهای پنهانی را برملا بسازیم ؟

من فکر میکنم ویا این را کافی میدانم بگویم که این مجله تقریباً موضوعات چپی را به نشر میرساند و نمیتوان کارکنان و دست اندرکاران و یا ستاف این مجله را اشخاص بد و نامطلوب گفت ویا بالای آنها شدیداً انتقاد نمود ، ولی آنچه که در اینجا به ارتباط ستاف این مجله میتوان اظهار نظر کرد اینست که این مجله به نشر موضوعات عجیب و غریب بخاطر بدست آوردن پول تلاش بخرچ میدهد و هرگز در اجندای کاری خود بغرض بهبود و اصلاح موضوعات سیاسی ، مذهبی ویا حل پرابلمهای عامه کدام برنامه ای مشخص ندارد (اما آنچه که من فکر میکنم آن اینست که محرر قبلی این مجله بنام ( philippe Val) یکی از خون آشامترین محافظه کاران بود که نباید فراموش گردد).

آنچه که در فوق از موضوعات چندی یادآوری نمودم همه اظهار نظر ویا موضوع نوشته آقای (William Blum) بود که طور فشرده از آن نقل قول بوجود آمد .

اکنون به همگان اشکار است که تروریزم حاصل کشت غرب بوده یعنی غرب برای بقای خود و برای تحفظ سرمایه و منافع خود این گروهک های افراطی و آدم کش را ایجاد کرده تا برای کسب منافع آنها در جنگ های نیابتی اشتراک ورزند و در غیر آن این گروهکها نه به اسلام و نه به اسلامیت معتقد اند که مثال های زنده آن رامیتوان مجاهدین افغانستان قلمداد کرد آنها یکه کابل رابه مخروبه مبدل ساختند و در تحت نام کمونیزم و ملحد و کافر هزارها انسان بی گناه و پاکدامن را نیست و نابود کردند و به غارت و قبض اموال و جایداد های مردم پرداختند و امروز به حیث بزرگترین سرمایداران و متمولین مبدل شده اند وزره ای از رحم و کرم و اخوت مسلمانی در فکر و عمل و کارکردگی های شان بملاحظه نمیرسد هدف و مرام شان فقط پول و غضب جایداد های مردم است و بس . جای تعجب در اینجا است که مردم افغانستان با وجود دید و شنید از تظلم و تعدی این گروه چپاول گر باز هم چشمان شان را مسدود نموده به اینها رای میدهند و سرنوشت خود را به آنها می سپارند .

مثل مشهوریست که **میگویند آنچه که کشت مینمایی آن را درو میکنی !** اکنون همه مردم دنیا میدانند که این گروه های افراطی و تروریست توسط خود غرب در افغانستان ، عراق ، لیبیا و سوریه بوجود آمده اند و جنگجویان و آدم کشان و آدم ربایان و ترورستهای انتحاری و جلادان خون اشام افغانی همه و همه در تحت نظر جنرالان (آی اس آی) پاکستانی تربیه ، تجهیز به سلاح و بمب و واسکتهای انتحاری شده اند پاکستانی که از نیم قاره هند به نام اسلام کشوری را بنیاد گذاشتند ولی اعمال و کردار این مدعیان اسلام ضد اسلام و ضد قول اسلامی میباشد که حاجت به بیان نیست .

باتقدیم سلامها